

نویافته‌هایی از تاریخ و میراث

بخش یکم

احمد خامه‌یار*

چکیده

نگارنده این سطور در جستجوی خود در منابع تاریخی و متون میراث اسلامی، همواره با یافته‌ها و نکته‌های جالب و قابل توجهی روبه‌رو می‌شود که طبیعتاً امکان فرصت و انتشار بسیاری از آنها به صورت مقاله‌های طولانی و مستقل وجود ندارد. از این رو تصمیم بر آن شد که به امید خدا، شماری از این نکته‌ها و یافته‌ها در قالب مقاله‌های سلسله‌واری با عنوان «نویافته‌هایی از تاریخ و میراث» از این پس در فصلنامه وزین میراث شهاب منتشر شود.

در این گفتار، چند نکته در موضوعات مختلف آمده است، از جمله: تصحیفات در سند روایی خطبة‌الاقالیم از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در ملحق نهج‌البلاغه نوشته ابن‌ناقه آمده است، معرّفی ابن‌فطیرا شخصیت گمنام شیعی اهل اربل در سده هفتم، شرح حال خلعی یا خلّعی شاعر شیعی سده هشتم، سیادت ابوالقاسم کوفی عالم قرن چهارم، براوستان روستایی نزدیک قم.

کلید واژه: خطبة‌الاقالیم - سند؛ ابن‌فطیرا؛ دانشمندان اربل؛ خلعی شاعر؛ کوفی، ابوالقاسم؛ براوستان.

*. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران.

۱. تصحیفاتی در سند روایی خطبة الاقالیم در ملحق نهج البلاغه ابن ناهه

خطبة الاقالیم، خطبه‌ای منسوب به امیرمؤمنان علی علیه السلام در ملاحم و فتن است که روایت نسبتاً کهنی از آن را ابن ناهه کوفی (در گذشته ۵۵۹ هـ) در ملحق نهج البلاغه نقل کرده است. این اثر ارزشمند یکبار به تصحیح اسعد طیب، بر اساس نسخه کهن کتابخانه آستان قدس رضوی، در جلد چهاردهم میراث حدیث شیعه، و بار دوم نیز به صورت مستقل از سوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به تصحیح محمدجعفر اسلامی و با نظارت قیس العطار، بر اساس نسخه آستان قدس و دو نسخه دیگر منتشر شده است.

سند روایی خطبة الاقالیم، مطابق چاپ کتابخانه مجلس، به شرح زیر است: ابو عبدالله احمد بن یعقوب بن سراج الهمدلی، به روایت از جعفر بن محمد بن علی قلانسی در رمله، از احمد بن صالح بن عبدالله بن وهب، از ابن لُیعَه [کذا] از سعید بن ابی سنان، از اصبع بن نباته، و او از امیر مؤمنان علی علیه السلام

در این سند چند تصحیف به چشم می‌خورد. البته با توجه به اینکه نگارنده این سطور نسخه‌های خطی این اثر را در اختیار ندارد، قادر به اظهار نظر نیست که آیا این تصحیف‌ها در اصل نسخه‌های خطی وجود داشته یا در بازخوانی و تصحیح آن رخ داده است.

تصحیف نخست آن است که کلمه «بن» میان دو نام احمد بن صالح و عبدالله وهب، باید تصحیف حرف «عن» باشد. چراکه استعمال کلمه «بن» در اینجا چنین تداعی می‌کند که او نوه «عبدالله بن وهب» (در گذشته ۱۹۷ هـ)، محدث مشهور مصری در سده دوم هجری است. در حالی که احمد بن صالح نوه ابن وهب نبوده؛ بلکه خود راوی مصری مستقل و شناخته شده‌ای بوده که از عبدالله بن وهب نیز روایت می‌کرده است.

تصحیف دوم آنکه «ابن لُیعَه» تصحیف «ابن لهیعه» (در گذشته ۱۷۴ هـ) است که دیگر محدث مشهور و شناخته شده مصری در سده دوم هجری است. البته این تصحیف تنها در چاپ کتابخانه مجلس دیده می‌شود و در تصحیح منتشر شده در میراث حدیث شیعه، نام «لهیعه» به شکل درست آن ضبط شده است. همچنین به نظر می‌رسد جعفر

۱. ملحق نهج البلاغه، چاپ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۷۵.

۲. «ملحق نهج البلاغه»، میراث حدیث شیعه، ج ۱۴، ص ۶۰.

بن محمد بن علی قلانسی، منطبق بر ابوالفضل جعفر بن محمد بن حماد قلانسی (درگذشته ۲۸۰ یا ۲۸۱ هـ) است که نام وی به همین صورت در سند شماری از احادیث به چشم می‌خورد^۱ و اهل «رمله» بوده^۲ و در برخی از اسانید نیز محل روایت وی این شهر ذکر شده است.^۳

۲. یک شخصیت گمنام شیعه و اجازه شیعی وی

ابن مستوفی (درگذشته ۶۳۷ هـ) در مجلد زهاد و صوفیه از کتاب خود تاریخ اربل، از شخصی به نام «ابوالقاسم محمد بن ابی‌الحسن جعفر بن محمد بن فطیرا» یاد کرده که در ماه رمضان سال ۶۲۰ وارد شهر اربل شده است. از این شرح حال برمی‌آید که نام‌برده ادیب و شاعر بوده؛ اگرچه ابن‌مستوفی تنها دو بیت از یک قصیده وی را نقل کرده است.^۴ همچنین با اینکه این مورخ اشاره‌ای به مذهب وی نکرده، اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که صاحب این زندگی‌نامه، شخصیت شیعه گمنامی است که در هیچ منبع دیگری، زندگی‌نامه‌ای برای وی سراغ نداریم.

قرینه نخست بر تشیع وی آن است که ابن‌کثیر در تاریخ خود، زندگی‌نامه پدر همین شخص، ابوالحسن جعفر بن محمد بن فطیرا (درگذشته ۵۸۹ هـ) را از تاریخ ابن‌ساعی نقل کرده که در آن، به تشیع وی تصریح شده است.^۵ قاضی نورالله شوشتری نیز با استناد به این زندگی‌نامه و نقل آن در مجالس المؤمنین، از ابن‌فطیرا به عنوان یکی از رجال شیعه یاد کرده و سید محسن امین نیز به نقل از قاضی نورالله، شرح حال وی را در اعیان‌الشیعه آورده است.^۶

اما قرینه دوم بر تشیع محمد بن جعفر ابن فطیرا، روابط وی با مشایخ شیعه قم است که این روابط از زندگی‌نامه وی در تاریخ اربل آشکار می‌شود و ابن‌مستوفی در همین کتاب، متن اجازه وی برای روایت کتاب مقامات حریری را از ابونصر علی بن

۱. از جمله: السنن الکبری، البیهقی، ج ۱، ص ۵۷۳.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۷۲، ص ۱۴۹.

۳. از جمله: مسند ابی‌عوانه، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۳۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۰، ص ۹۶-۹۷.

۴. تاریخ اربل، ج ۱، ص ۳۵۶.

۵. البدایة والنهایة، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، ج ۱۶، ص ۶۶۰-۶۶۱.

۶. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۶۲ (چاپ کتابفروشی اسلامیة)؛ ج ۴، ص ۵۱۶ (چاپ آستان قدس رضوی)؛

اعیان‌الشیعه، ج ۴، ص ۱۷۹.

محمد بن حسین طیب قمی در سال ۶۱۸هـ و این شخص نیز از سید ضیاءالدین فضل الله راوندی (درگذشته ۵۷۰هـ) دریافت داشته، نقل کرده است.

شیخ اجازه ابن فطیرا یعنی ابونصر علی بن محمد طیب قمی، ظاهراً همان کسی است که منتجب الدین رازی در فهرست خود از وی به نام «جمال الدین علی بن محمد متطبب قمی» یاد کرده و با تعبیر «فاضل ادیب طیب» ستوده است.^۱ به هر حال، متن این اجازه، چنانکه در تاریخ اربل نقل شده، به شرح زیر است:^۲

قرأ علي المقامات الأدبية التي طبق وشيها أوصل الألفاظ اللغوية ومبانيها، وضم أعصى الأمثال الأدبية ومعانيها، وحاز في إبداعها قصب السباق، وبز في اختراعها بالمسهل والمعلّي على الأعناق، بالبقعة الميمونة المباركة الموسومة بمأوى الفاطميين، المشهورة بقم - حماها الله تعالى من حوادث الدهور والأزمان، وصرف عنها صوارف الحدثان - صاحبها الصدر الإمام الكبير الأفضل، الأكمل التحرير، البارع الأفصح، الورع الأملح، ضياء الدين، شرف الإسلام، سيد الصدور الأمثال، ملاك العلماء الأفاضل، أبو القاسم محمد بن أبي الحسن جعفر بن محمد بن فطیرا - أدام الله فضله، وكثر في الفضلاء مثله - من مطلعها إلى مقطعها، قراءة مطلع على فوائد ألفاظها الأدبية، واقف على فوائد كلماتها الأبيّة، كاشف عن حقائق نصوصها الفقهية، باحث عن دقائق نصوصها الحكمية. وأجزت له روايتها ورواية سائر مصنفاته ومؤلفاته ومقولاته ومنقولاته، عني عن السيد الإمام الكبير العلامة ضياء الدين علم الهدى، حجة الحق على الخلق، جلال آل رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فضل الله بن علي بن عبيدالله الحسني - سقاه الله كؤوس رضوانه ملاء، وحيّاه برياحين إحسانه ولأء - عن شيخه الإمامين الأفضلين الورعين، عبدالرحيم بن الإخوة البغدادي، وهبة الله بن الحسين الأسطرابي، عن الإمام أبي محمد الحريري البصري - بيض الله غرتهم، ونور حضرتهم - وأنا بريء عن التحريف والخطل، والتصحيف والزلل. وكتب العبد المّسيء إلى نفسه، في يومه وأمسّه، علي بن أبي سعد محمد بن الحسن بن أبي سعد، أبونصر الطيب بخطه في شهر ربيع الأول الواقع في شهر سنة ثمان عشرة وستمائة

۱. الفهرست، ص ۹۱ (تصحیح محدث ارموی).

۲. تاریخ اربل، ج ۱، ص ۳۵۳-۳۵۴.

هجریة مصطفویة حامداً لله علی نعمائه المتظاهرة، ومصلياً ومسلماً علی سید
 انبیائه محمد وعترتہ الطاهرة، والله حسبہ، ونعم الحسیب.
 نکته دیگر در این باره آن است که بر اساس این شرح حال ابن فطیرا به اجازه از
 شیخ خود ابونصر علی طیب، اشعاری را سروده شخصی به نام «سیدی الامام
 زین الدین محمد بن ابی نصر بن محمد بن علی» نقل کرده است. ظاهراً این شخص
 نیز همان کسی است که منتجب الدین رازی در فهرست خود از وی به نام «شیخ
 زین الدین محمد بن ابی نصر قمی» یاد کرده و با تعبیر «ادیب فاضل طیب» ستوده
 است. مرحوم آقابزرگ طهرانی نیز با استناد به اجازه ای در پایان یک نسخه خطی
 نهج البلاغه، وی را شیخ اجازه ابونصر علی طیب و تاریخ وفاتش را پیش از سال ۶۰۱ هـ
 دانسته است.^۲

۳. ابعاد اسطوره‌ای شرح حال خلعی شاعر

شاعر موسوم به «خلعی» یا «خلیعی»، از شاعران شیعه در سده‌های میانی است که
 درباره وی آگاهی‌های کمی در دست داریم. مرحوم قاضی نورالله شوشتری از نخستین
 تراجم‌نویسان شیعه است که شرح حالی از این شاعر به دست داده و از وی با نام
 «جمال الدین خلعی موصلی» یاد کرده است.^۳ برخی از نویسندگان متأخر شیعه نیز
 همچون علامه امینی، خلاصه همین شرح حال را به نقل از مجالس المؤمنین نقل
 کرده‌اند.^۴ دیگر تراجم‌نویسان شیعه نیز همچون سید محسن امین و آقابزرگ طهرانی،
 تاریخ وفات وی را سال ۷۵۰ هـ و شیخ محمد سماوی آن را سال ۷۲۰ هـ دانسته‌اند.^۵
 خلاصه شرح حالی که مرحوم قاضی نورالله درباره خلعی به دست داده، بدین شرح
 است که پدر وی حاکم موصل بود و پدر و مادر خلعی هر دو ناصبی بودند. مادرش
 نذر کرده بود که اگر خدا او را پسری روزی کند، وی را به قتل زائران امام حسین علیه السلام
 بگمارد که از سمت شام می‌آمدند و از موصل می‌گذشتند. پس از مدتی جمال الدین به

۱. تاریخ اربل، ج ۱، ص ۳۵۴-۳۵۵.

۲. الفهرست، ص ۱۲۰ (تصحیح محدث ارموی)؛ طبقات اعلام الشیعة، ج ۳، ص ۲۴۴.

۳. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۵۵۵-۵۵۶ (چاپ کتابفروشی اسلامیه)؛ ج ۶، ص ۱۵۸-۱۵۷ (چاپ آستان قدس رضوی).

۴. العادیر، جلد مقدمه، ص ۲۷۷.

۵. الطلیعة فی شعراء الشیعة، ج ۲، ص ۵۴؛ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۲۶۳؛ الذریعة، ج ۹، ق ۱، ص ۳۰۱.

دنیا آمد و زمانی که بزرگ شد، مادر او را از نذر خود آگاه ساخت و به کشتن زائران کربلا وادار کرد. او نیز گروهی از زائران را تا موصل تعقیب کرد تا اینکه به منطقه «مسیب» نزدیک کربلا رسید و در آنجا غبار خاک کربلا از پای کاروانهای زائران امام حسین علیه السلام به مشام وی رسید. او در زمان توقّف خود در آنجا به خواب رفت و در خواب دید که قیامت برپا شده و او را به سمت دوزخ برده‌اند؛ اما به علت اینکه غبار کربلا بر وی نشسته، آتش در وی اثر نمی‌کند. در آن حال از خواب بیدار شد و از عقیده ناصبی‌گری به ولایت ائمه علیهم السلام رجوع کرد و مجاوران آستان امام حسین علیه السلام گشت و طبع شاعری خود را به مدح اهل بیت علیهم السلام اختصاص داد.^۱

بی‌تردید آنچه نویسندگان متأخر شیعه درباره خلعی گفته‌اند، از اعتبار تاریخی برخوردار نیست و شرح حال قاضی نورالله درباره وی نیز داستانی غیرواقعی و اسطوره‌ای است. شاهد بر این ادعا آن است که ابن‌شعّار موصلی (درگذشته ۶۵۴هـ) زندگی‌نامه تاریخی خلعی را به دست داده است که نوشته‌های نویسندگان شیعه را نقض می‌کند. ابن‌شعّار از وی با نام «ابوالحسن علی بن عبدالعزیز خلعی خفاجی» یاد کرده و نوشته است که پدر او از روستای «ایوب» از توابع شهر حله بود، و خلعی در سال ۵۸۲هـ در موصل به دنیا آمد.^۲

ابن‌شعّار در ادامه، به تشیّع خلعی تصریح کرده و درباره وی نوشته است:

شیخ ربعة من الرجال، أحول العين أسمر، يتعیش في الخلع بسوق الأربعاء في الموصل، يتشيع، متمسك بمذهب الإمامية، وهو معروف بذلك، له طبع [في] قول الشعر. إذا أنشد لم يلحن ويتجنب اللحن في أثناء كلامه. له أشعار في أهل البيت - صلوات الله عليهم - ينشدها في المشاهد والترب المختصة بأولاد الحسين... .

بر اساس زندگی‌نامه فوق، انتساب پدر خلعی به روستایی از توابع حله می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که پدر وی به احتمال زیاد شیعه‌امامی و بنابراین خلعی نیز شیعه‌زاده بوده است؛ نه چنانکه در داستان منقول در *مجالس المؤمنین* آمده، از پدر و مادری ناصبی به دنیا آمده باشد. همچنین تولد وی در سال ۵۸۲هـ، احتمال زنده ماندن

۱. *مجالس المؤمنین*، همانجا.

۲. *قلاند الجمان فی فرائد شعراء هذا الزمان*، مجلد ۴، ص ۱۴۱.

وی تا سده هشتم، به ویژه سال ۷۵۰ هـ را، چنانکه تراجم‌نویسان متأخر شیعه گفته‌اند، تضعیف می‌کند.

در پایان گفتنی است که نسخه‌ای از دیوان اشعار خلعی به خط شیخ محمد سماوی، در کتابخانه عمومی آیت‌الله حکیم علیه السلام در نجف اشرف نگهداری می‌شود و این دیوان بر اساس همین نسخه، به تصحیح سعد الحدّاد در سال ۱۴۳۱ هـ / ۲۰۱۰ م منتشر شده است.

۴. نکته‌ای درباره نسب سیادت ادّعی ابوالقاسم کوفی از غلات شیعه

ابوالقاسم کوفی از غالیان شیعه در سده چهارم هجری است که نزد غلات از جایگاه والایی برخوردار بوده. نجاشی در *رجال* خود درباره وی می‌نویسد: «ابوالقاسم علی بن احمد کوفی، مردی از اهل کوفه که خود را از آل ابی‌طالب می‌دانست. پایان کار وی به غلو و فساد مذهب انجامید و تألیفات زیادی، عمدتاً بر مبانی فاسد نوشت.» او در سال ۳۵۲ هـ در «کرمی» از توابع «فسا» در منطقه فارس از دنیا رفت و قبرش در این شهر وجود داشته است.^۱

چنانکه نجاشی و نسب‌شناسان اشاره کرده‌اند، ابوالقاسم کوفی در زمان حیات خود ادعای سیادت داشته است؛ اما آنها در ادّعی سیادت وی تشکیک کرده و آن را نپذیرفته‌اند. نسب‌شناس برجسته ابوالحسن عمری علوی نوشته است که از شیخ خود ابوعبدالله حسین بن محمد معروف به ابن طباطبای نسابه درباره نسب علی بن احمد کوفی سؤال کردم. او در پاسخ به من نوشت: «این مرد مطلقاً دروغگو است و خود را به خاندان‌های (علوی) متعدّدی نسبت داده که هیچ یک از آنها ثابت نشده است.»^۲

نسب سیادت ادّعی ابوالقاسم کوفی، در منابع تاریخی به صورت‌های مختلف نقل شده است؛ و ظاهراً علت اصلی این اختلاف، چنانکه از سخن ابن طباطبا برمی‌آید، در درجه اول دروغ‌پردازی‌های مکرّر خود وی بوده است. علمای انساب معمولاً نسب سیادت ادّعی ابوالقاسم کوفی را در ذیل اعقاب هارون بن موسی علیه السلام مورد بررسی قرار داده‌اند و نوشته‌اند که وی خود را «علی بن احمد بن موسی بن احمد بن هارون بن امام موسی کاظم علیه السلام» می‌دانست.^۳

۱. *رجال النجاشی*، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲. *المجدی فی انساب الطالبیین*، ص ۳۰۰.

۳. *المجدی*، همانجا؛ *عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب*، ابن عنبه، ص ۲۸۳ (تصحیح مهدی رجایی).

با این حال، نسب وی در کتاب *عیون المعجزات* اثر حسین بن عبدالوهاب، به گونه‌ای مغایر بیان شده است. او در مقدمه کتاب خود، از ابوالقاسم کوفی با عنوان «ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب» یاد کرده است. در واقع بر اساس این نسب‌نامه، پدر بزرگ وی، موسی مبرقع فرزند امام محمد جواد علیه السلام، و پدر وی احمد بن موسی مبرقع است.

یک نکته قابل توجه درباره دو نسب فوق آن است که در هر دو نسب، نام پدر و پدر بزرگ ابوالقاسم کوفی، به صورت یکسان (احمد بن موسی) ذکر شده است؛ اما در اجداد بعدی وی، در نسب دوم، «محمد بن علی»، که امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام هستند، جایگزین «احمد بن هارون» نوه و فرزند دیگر امام کاظم علیه السلام شده‌اند.

می‌دانیم احمد بن موسی مبرقع که در نسب مذکور در *عیون المعجزات* به عنوان پدر ابوالقاسم کوفی معرفی شده، همان کسی است که به گفته ابونصر بخاری از قم به شیراز مهاجرت کرده و در آن شهر از دنیا رفته است؛ و گمان می‌رود قبر شخصی که به نام «احمد بن موسی» در نیمه سده هفتم هجری در دوره اتابکان فارس در شیراز شناسایی شده و به فرزند امام موسی کاظم علیه السلام منسوب گشته و امروزه مزار وی به نام «شاهچراغ» شهرت یافته است، در واقع قبر احمد بن موسی مبرقع باشد.

با توجه به اینکه ابوالقاسم کوفی پایان عمر خود را در فسا که از شهرهای نزدیک به شیراز است، به سر برده، و احتمالاً در آن زمان احمد بن موسی مبرقع در شیراز مشهور و شناخته شده بوده است، شاید بتوان چنین برداشت کرد که ابوالقاسم کوفی با در نظر گرفتن مشابهت نام وی با نام نواده هارون بن موسی علیه السلام، این بار خود را به این شخص نسبت داده است.

۵. تعلیقه‌ای بر مقاله «از براوستان قم»

براوستان نام روستایی بوده در حومه شهر قم که نزدیک جمکران قرار داشته است. مشهورترین شخصیتی که از براوستان می‌شناسیم، اسعد بن محمد بن موسی، معروف به مجدالملک براوستانی (مقتول در ۴۹۲هـ)، وزیر برکیارق سلجوقی است که از رجال سیاسی برجسته شیعه در سده پنجم بوده و اهتمام ویژه‌ای به ساخت مشاهد و بارگاه‌های ائمه علیهم السلام و امامزادگان از جمله گنبد چهار امام مدفون در بقیع علیهم السلام، بارگاه

امام موسی کاظم علیه السلام و امام محمد تقی علیه السلام در کاظمین امروزی و بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی در شهرری داشته است.^۱

استاد ارجمند آقای حسین واثقی، در مقاله‌ای با عنوان «از براوستان قم» که پیش‌تر در فصلنامه وزین میراث شهاب منتشر شده، جزوه‌ای بسیار نفیس از قرآن کریم، متعلق به اوایل سده ششم هجری را معرفی کرده‌اند که به شماره ۵۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و صفحه اول آن حاوی وقفنامه‌ای است که نشان می‌دهد این نسخه را شخصیتی به نام «الاستاذ رئیس الاجلّ مجد الرؤساء ابوالفتح صاعد بن سعید بن محمد بن موسی براوستانی»، در سال ۵۱۵ هـ وقف مشهد مقدس علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس کرده است.^۲

چندی پس از انتشار این مقاله نیز آقای سید مصطفی مطهری در مقاله دیگری با عنوان «تکمله بر مقاله از براوستان قم»، ضمن بررسی اختلاف در ضبط واژه براوستان در منابع تاریخی، شخصیت دیگری از این خاندان را به نام ابوغالب حسن بن موسی براوستانی - عموی مجدالملک - معرفی کردند^۳ که باخرزی در *دمیه القصر*، به عنوان یکی از کاتبان و ادیبان دربار سلجوقی از وی یاد کرده است.^۴

اما نکته‌ای که نگارنده این سطور قصد یادآوری آن را دارد آن است که افزون بر مجدالملک براوستانی و عمویش حسن بن موسی و ابوالفتح صاعد بن سعید، شخصیت دیگری نیز از این خاندان به نام اثیرالملک سعد بن محمد بن موسی می‌شناسیم؛ و این شخص برادر مجدالملک است که عبدالجلیل رازی در کتاب *تقص* خود از وی یاد کرده و وی را با این توصیف که «رئیس العراقین ابوالمجد - رحمة الله علیه - با نیکو اعتقادی و سخاوت و مروّت و طاعت خود معروف است»، ستوده است.^۵

در جای دیگری نیز درباره‌اش نوشته است:

... بعد از قتل برادر تا در قید حیات بود، ممکن و محترم بود از قبیل سلطان

۱. کتاب *تقص*، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۸۳ و ۲۱۹-۲۲۰ (چاپ قدیم).

۲. «از براوستان قم»، حسین واثقی، *میراث شهاب*، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۹۹.

۳. «تکمله بر مقاله از براوستان قم»، سید مصطفی مطهری، *میراث شهاب*، شماره ۷۱، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۲۰.

۴. *دمیه القصر وعصرة اهل العصر*، ج ۱، ص ۴۴۷. در نسخه چاپی، نسبت «براوستانی» به «راوستانی» تصحیف شده است.

۵. کتاب *تقص*، ص ۲۲۰.

وقت. و رئیس العراقین مطلق او را نوشتندی، و چون متوفی شد از بزرگی و رفعت قدر، از خاک قم نقلش کردند به مشهد مقدس علی بن موسی الرضا علیه السلام و آنجا مدفون است.^۱

همچنین به نظر می‌رسد که «مدرسه اثیرالملک» که عبدالجلیل رازی در شمار مدارس قم در زمان خود به آن اشاره کرده، منسوب به اثیرالملک براوستانی و ساخته دست وی باشد.

همچنین استاد واثقی در مقاله خود اشاره کرده‌اند در صورتی که در وقفنامه نسخه خطی جزوه قرآن کریم در کتابخانه آستان قدس، واژه «سعید» که نام پدر واقف نسخه ابوالفتح صاعد براوستانی است، تصحیف شده واژه «اسعد» باشد، وی می‌تواند فرزند مجدالملک باشد. اما به نظر نگارنده این سطور، بعید است کاتب نسخه چنین تصحیفی در نام پدر واقف مرتکب شده باشد؛ و با توجه به اینکه می‌دانیم مجدالملک برادری به نام «اثیرالملک سعد» داشته است، پدر واقف می‌تواند برادر سوم این دو باشد.

۱. کتاب نقض، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۲. کتاب نقض، ص ۱۹۵.

منابع

١. ابن الشعار، المبارك بن احمد، *قلائد الجمان في فرائد شعراء هذا الزمان*، تحقيق: كامل سلمان الجبوري، بيروت: دار الكتب العلمية، ٢٠٠٥م.
٢. ابن عساكر، علي بن الحسن، *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق: عمر بن غرامة العمري، بيروت: دار الفكر، ط ١، ١٩٩٥-١٩٩٨م.
٣. ابن عنبة، احمد بن علي، *عمدة الطالب في انساب آل ابي طالب*، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى، ط ١، ١٤٢٥هـ.
٤. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، *البداية والنهاية*، تحقيق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، دار هجر.
٥. ابن المستوفى، المبارك بن احمد، *تاريخ اربل*، تحقيق: سامي بن السيد خماس الصقار، [بغداد]: وزارة الثقافة والاعلام، ١٩٨٠م.
٦. ابن ناقة، احمد بن يحيى، *ملحق نهج البلاغة*، تحقيق: محمدجعفر الاسلامي، طهران: مكتبة ومتحف ومركز وثائق مجلس الشورى الاسلامي، ١٤٣٤هـ.
٧. ابن ناقة، احمد بن يحيى، «ملحقات نسخة من نهج البلاغة وجزء ابن ناقة»، تحقيق: اسعد طيب، ميراث حديث شيعه، ج ١٤، به كوشش: مهدي مهريزي و علي صدرايي خويي، قم: مركز تحقيقات دار الحديث، چاپ ١، ١٣٨٤ش.
٨. ابو عؤانة، يعقوب بن اسحاق، *مسند ابي عؤانة*، تحقيق: ايمن بن عارف الدمشقي، بيروت: دار المعرفة، ط ١، ١٤١٩ق / ١٩٩٨م.
٩. الأمين، السيد محسن، *ايعان الشيعة*، تحقيق: حسن الأمين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٣هـ / ١٩٨٣م.
١٠. الأميني، عبدالحسين، *الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب*، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٤١٤هـ.
١١. الباخرزي، علي بن الحسن، *دمية القصر وعصرة اهل العصر*، تحقيق: محمد التونجي، بيروت: دار الجيل، ط ١، ١٤١٤هـ / ١٩٩٣م.
١٢. البيهقي، احمد بن الحسين، *السنن الكبرى*، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ط ٣، ١٤٢٤هـ / ٢٠٠٣م.

۱۳. السماوی، محمد، *الظلیعة من شعراء الشيعة*، تحقیق: کامل سلمان الجبوری، بیروت: دار المؤرخ العربی، ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۱ م.
۱۴. شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، مشهد: چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۹۳ ش.
۱۵. شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ ۴، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. الطهرانی، آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشيعة*، النجف الاشرف: مطبعة الغری، ۱۳۵۷ هـ.
۱۷. الطهرانی، آقابزرگ، *طبقات اعلام الشيعة*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۸. العُمري العلوی، علی بن محمد، *المجدي فی انساب الطالبین*، تحقیق: احمد المهدوی الدامغانی، قم: مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی العامة، ط ۲، ۱۴۲۲ اق / ۱۳۸۰ ش.
۱۹. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *نقض (بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض)*، تصحیح: جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
۲۰. منتجب‌الدین رازی، علی بن عبیدالله، *فهرست اسماء علماء الشيعة ومصنفيهم*، تصحیح: جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه عمومی آية الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۶ ش.
۲۱. مطهری، سید مصطفی، «تکمله بر مقاله از براوستان قم»، *میراث شهاب*، ش ۷۱، بهار ۱۳۹۲.
۲۲. النجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ.
۲۳. واتقی، حسین، «از براوستان قم»، *میراث شهاب*، ش ۷۰، زمستان ۱۳۹۱.